

خاطرات سیدعلی محمد دولت آبادی لیدر حزب اعتدالیون

- ۴ -



موضوع التیماتوم . در این شبهم کار بجائی منتهی نشد . و کلاه دموکرات متمهد میشوند که بروندیک کابینه موافق باردا التیماتوم حاضر کنند و تاظهر بعد بمجلس بیاورند . ظهر سهشنبه میعاد آنها تمام شد و نیاوردند . عصر مجلس بر حسب قاعده باید تشکیل شود . حضرات آمدند اما از کابینه جدید خبری نبود !! گفتند وقتی خواهد آمد که این کابینه استعفا بدهد . یا ورقه آبی در باره اش کشیده شود و باز پاره می عنوانها نمودند که موجب کدورت شده در مقابل آنها نطق های آتشین میشود که موجب حیرانی و نگرانی بوده است ولی باز هم مؤثر واقع نگشت .

رئیس میگوید درباره کمیسیون که بلا تکلیف مانده است صحبت شود. بالاخره بعد از گفتگوها میگوید يك رأی مخفی در این خصوص گرفته شود که معلوم گردد هم عقیده در این کار چند نفرند. شاید اکثریت حاصل شود. رأی میگیرند سی و نه رأی سفید بقیه رد و امتناع بوده است. میگویند اکثریت است. حالا باید در مجلس علنی رأی گرفت و کمیسیون را معین کرد. رئیس گفت شرط مطلب این است که ابدأ اجازه نطق بکسی داده نخواهد شد فقط عنوان مطلب شده که چون فقره کمیسیون بلا تکلیف ماند تجدید رأی خواهیم کرد. خیابانی و دیگران گفتند باید وزراء بیایند و ما مطالب خودمان را بگوئیم آنوقت رأی گرفته شود. و چون از زمینه سابق معلوم بود که میخواهند با فحش و بد گوئی بوزراء آنها را متالم ساخته نتیجه را به برهم خوردن مجلس بگیرند و يك نزاعی بنمایند که قهر آن نزاع وزراء را از کار خارج کنند. در این خصوص گفتگو زیاد میشود تا کار بجائی میرسد که منتصر السلطان میگوید ما از طرف تبریز اجازه نداریم در مجلسی که اینگونه مذاکره شود حاضر شویم یا بمانیم.

در این شب آخر مجلس منعقد نشد. رئیس اعتراضاً از مجلس بیرون رفت سایرین هم مغرک شدند الاجمعی از و کلاه بیغرض و اعتدالیها شاید چند نفری هم از دموکراتها که بر ضد خیالات دیگران بودند و در عقیدهئی که ذیلاً متذکر میشود موافقت داشتند.

این و کلاه نزدیک شدن حرکت قوای روس از قزوین و انقلابات و اغتشاشها را بنظر آورده زیاده از سی چهار ساعت برای خود وقت تصور نمیکردند و بدین ملاحظه تکلیف خود را میخواستند معین کنند و چاره را منحصر با استعفا دیده آخرین علاج را که استعفاء باشد بیست نفر اقدام کرده ورقه استعفا نامه را نوشته مهر کردند ولی اتمام آنرا بروز بعد قرار گذارده صبح روز چهارشنبه ۲۸ ذیحجه حضرات و کلاه جمع شدند که تکمیل قرارداد شب را نموده استعفای خود را داده و خارج شوند تا مجلس از اکثریت افتاده کار را خود وزراء اصلاح کنند.

در این روز يك عنوان دیگر پیش آمد. که خوب است اتفاق در کار بیاید و کلیه اختیارات را بنایب السلطنه واگذار نمایم و باین عنوان از صبح تا شام وقت خود را گذرانیده تحصیل اتفاق در این کار کردند طرف عصر نایب السلطنه از قضیه مطلع شده بود و انکار

شدید خود را بوکلاه ابلاغ میدارد و جمعی از آنها را با وزراء احضار مینماید .

در آن جلسه کار بسختی میرسد داد و فریاد میکنند خود نایب السلطنه میخواهد بمجلس آمده استعفا از نیابت سلطنت بدهد . دیگر فضاحتی نبوده که نکرده اند . تا اینکه از این خیال منصرف گشته و ساعت چهار از شب دفته و کلاه و بعضی از وزراء بمجلس میآیند ، و در مجلس خصوصی و در اطاق تنفس مذاکرات میشود در خصوص کمیسیون و انعقاد آن خیلی صحبت میشود . قوام السلطنه میگوید اگر امشب این کار تصفیه نشود و از ده ساعت دیگر قشون روس حرکت میکند و دیگر کار باین صورت تصفیه پذیر نیست . وزیر خارجه قرارداد خود را با وزیر خارجه روسیه و تهداتی که شده ذکر میکنند که حاصل آن این است :

از طرف دولت ایران شوستر عزل و خسارت جزئی برای قشون کشی داده شود . مشاوره در باره آوردن مستشار خارجی بکلی روی کاغذ نیاید ولی دولت ایران عمل سابق خود را که همیشه دوستانه شوری میگردیده است باز هم بکنند . در عوض دولت ایران خواهش مینماید . کلیه قشون روس از خاک ایران بزود و دولت روس هیچگونه کمک بمحمد علی میرزا ننماید و در خصوص پول و غیره هم کمک و مساعدت نمایند و از طرف دولت روس اختیارات تامه بوزیر مختار روس در ایران داده شده است که معاهده نامه را نوشته کار را بانجام برساند .

بعد از این مذاکرات باز برای احتیاط رأی مخفی گرفته میشود و در این رأی چهل و شش نفر شرکت میکنند . عده حاضر قریب شصت نفر بوده اند . تقریباً ده نفر از دموکراتها در این رأی شرکت و موافقت کرده اند . شاید بیشتر هم بوده اند زیرا که رأی مخفی است .

در هر صورت نزدیک ساعت ۷ از شب رفته مجلس رسمی تشکیل شده بود چند نفری صحبت مختصری میکنند . شیخ محمد خیابانی میگوید که من در عقیده خود ثابت هستم . در این باره با اکثریت سی و نه رأی نظر کمیسیون تصویب میشود و هفت رأی از آراء اطاق تنفس در جلسه رسمی کسر میشود ، چند دقیقه تنفس میدهند .

افتخار الواعظین با آقایان میگوید : بیشراف و کیلی که بفاصله نیم ساعت رأی خودش را

بدزد و صلاح مملکت را فدای منافع شخصی نماید . میرزا و ادیب‌التجار میگویند بی‌شرف کسی است که مطلب‌سری مجلس را بنایب السلطنه خبر میدهد .

چون خبر آنروز را که میخواهند اختیارات را بنایب السلطنه بدهند بواسطه يك ملاقاتی که از نایب السلطنه کرده بودند و پینامی که بتوسط افتخار الواعظین داده بودند بگردن او میخواستند بیاندازند که تو این خبر را برده‌ای بهمین علت حرف میرزا علی بافتخار الواعظین گران آمده بطرف میرزا علی و ادیب‌التجار بسختی و خشونت نظر نموده کلمات زشت از میانه ردوبدل میشود . میرزا علی دست بلند میکند که افتخار الواعظین را بزند ادیب‌التجار بکمک او آمده دوفری بافتخار زدو خورد میکنند از سر و صورت میرزا علی و ادیب‌التجار خون جاری میشود . رئیس مجلس آنها را امر میکند گرفته حبس نمایند و بعد از تحقیقات يك ربع ساعت هم درباره افتخار الواعظین حکم بحبس میدهد .

افتخار الواعظین بعد از يك ربع ساعت حبس شدن استعفای خود را برئیس داده از مجلس بیرون می‌آید در این شب کمیسیون را انتخاب مینمایند . آقایان سردار اسعد ، میر سید حسن مدرس ، شیخ ابراهیم زنجانی . خلیل‌فهمیم الملك ، دکتر سعیدالاطباء . این مجلس ختم میشود که فردا کمیسیون با وزراء نشسته ترتیب کار را بدهند . ولی آقایان زنجانی . فهمیم‌الملك و دکتر سعیدالاطباء استعفاء دادند یعنی جرئت شرکت در این کار را نداشتند . روز پنجشنبه ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹ که باید کمیسیون تشکیل شود نشد و طرف عصر يك خیر و وحشی رسید و آن این است که در تبریز و انزلی جنگ باروس‌ها شروع شد و وزراء بمجلس آمده خبر این واقعه را دادند و گفتند آنتریک شما ها سبب رفتن ایران شد و این حادثه معلوم نیست چه نتیجه خواهد داد و تا شما اینجان نشسته‌اید ما کاری نمیتوانیم بکنیم و از مجلس بخانه نایب‌السلطنه رفته بودند .

بقیه دارد